رشیدی‌کوچی، نماینده مجلس در گفت‌وگوی تفصیلی با «فرهیختگان»:

برای ادامه فیلترینگ باید از مجلس مجوز بگیرند

عطیه همتی
دبیر گروه نقد روز

بعد از اعلام خبر احراز صلاحیت‌های کاندیداهای مجلس شورای اسلامی از سوی هیات نظارت بر انتخابات دوازدهمین دوره مجلس، فضای سیاسی کشور وارد فاز سیاسی تازه‌ای شد تا میتینگ‌ها و گعده‌های انتخاباتی همه جریان‌های سیاسی جدی‌تر از قبل برگزار شود تا همگی وارد روزهای هم‌اندیشی و درنهایت لیست‌نویسی شوند. از طرفی مجلس یازدهم نیز چهره‌های تازه و جوانی را به چشم دید که توانستند خودشان را از طریق شبکه‌های اجتماعی به مردم بشناسانند و از این فضا در مسیر اهداف‌شان استفاده کنند. در این میان جلال رشیدی‌کوچی، نماینده مردم مرودشت از جمله همین چهره‌ها بود. او که بعد از رای به عدم موافقت با طرح موسوم به صیانت میان مردم مشهور شد بعد از آن با اظهارنظرهایی درباره خودرو و حتی برخی جریان‌های سیاسی چهره‌ای جنجالی از خودش نشان داد. رشیدی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» مدعی شد برخی چهره‌های سیاسی پیشنهاد کاندیداتوری وی از تهران را نیز مطرح کرده‌اند اما او همچنان ترجیح می‌دهد از شهر خودش وارد مجلس شود. یک روز بعد از اعلام احراز صلاحیت‌ها با این نماینده گفت‌وگو کردیم تا درباره اظهارنظرهایش در مجلس قبلی و پیش‌بینی ترکیب مجلس بعد از او بپرسیم.

* * *

شما در چند وقت اخیر در رابطه با موضوع فیلترینگ اینترنت بسیار صحبت کردید. بیش از یک سال است که از فیلتر اینستاگرام، پرمخاطب‌ترین و فعال‌ترین شبکه اجتماعی کشور می‌گذرد، نظر شما در مورد فیلتر این شبکه اجتماعی و در کل سایر شبکه‌های اجتماعی که فیلتر شده است، چیست؟ چون به شکل جدی می‌توان گفت که دیگر هیچ شبکه اجتماعی بین‌المللی غیرفیلتری در کشور وجود ندارد.

من بارها راجع به این موضوع صحبت کرده‌ام و صحبت خواهم کرد. یعنی آنقدر صحبت می‌کنم تا نتیجه بگیریم. اصولا یکی از کارهایی که نمایندگان باید انجام دهند، همین پیگیری‌های مطالبات و دغدغه‌های مردم است. یکی از روش‌های پیگیری هم صحبت کردن راجع به نقاط ضعف و قوت تصمیماتی است که گرفته می‌شود. ضمن اینکه در حوزه اختیارات قانونی که در اختیارات نماینده هم است، ما اقدامات لازم را انجام دادیم و انجام می‌دهیم. شما به عنوان فردی که در این کشور زندگی می‌کنید، از هر کسی، دوست، آشنا، همسایه، همکار، بپرسید، می‌بینید که متاسفانه فیلترینگ جواب نداده و ما فقط مردم را مجبور کرده‌ایم که به سمت خرید فیلترشکن بروند. این داستان خیلی برای کشور تبعات دارد. چه در حوزه اقتصاد، چه در حوزه امنیت روانی جامعه، چه در حوزه آسیبی که به اعتماد عمومی مردم وارد می‌شود، چه در حوزه امنیت اجتماعی و چه در حوزه‌های سیاسی، همه اینها مشکلاتی هست که به خاطر فیلترینگ برای کشور به وجود می‌آید. اما یک عده نمی‌خواهند این را قبول کنند.

شما مثالی هم در این موضوع دارید؟ چون همین عده‌ای که می‌گویید معتقدند نه، چنین چیزی وجود ندارد یا آنقدرها هم که شما می‌گویید جدی نیست.

بله، من مثال می‌زنم. من برای آغاز مهر به مدرسه‌ای دعوت شدم و صحبت کردم. من آنجا از دانش‌آموزانی که نشسته بودند، سوال پرسیدم که کدام‌تان فیلترشکن دارید و جالب است که اکثر آنها فیلترشکن داشتند. فکر می‌کنم متوسطه اول بودند. جالب اینجاست؛ اکثرا پلی‌استیشن بازی می‌کنند، خیلی از این بازی‌ها و خیلی از این اکانت‌هایی که در پلی‌استیشن ساخته می‌شود، فیلترشکن می‌خواهد. پدر و مادرهایشان هم از فیلترشکن استفاده می‌کنند. اقوام‌شان هم همین‌طور. من قبلا صحبت کردم، گفتم این موضوع فیلترشکن گردش مالی‌ای را در کشور به وجود آورده است که بسیار سنگین است. بعضی‌ها از همان افرادی که نمی‌خواهند بپذیرند، به ما حمله کردند که آقا این گردش مالی که می‌گویید دقیق نیست. چند روز پیش یک فیلترشکن‌فروش را در قم رصد کرده بودند. حدود ۴۶ میلیارد تومان از این راه کسب درآمد داشت. تازه این یک نمونه‌اش بود. این در بعد اقتصادی صدق می‌کند. آیا فیلترینگ جواب داده است؟ یعنی مردم ما دیگر از شبکه‌ای به نام اینستاگرام استفاده نمی‌کنند؟ این دیگر عدد و رقم است. عزیزان می‌گویند آن موقع ۵۰درصد از ترافیک کشور برای اینستاگرام بوده و الان دیگر نیست. الان هم هست اما چون دیگر فیلترشکن استفاده می‌شود و آی‌پی آن فیک است این‌طور به نظر می‌رسد. هنوز هم همان‌طور است. حتی من می‌گویم بیشتر هم شده است.

اگر شما معتقدید این موضوع آنقدر علنی است که کسی که پیش‌تر از این در اینستاگرام فعالیت می‌کرده، هنوز هم فعالیت می‌کند، فقط دارد اینترنت گران‌تری مصرف می‌کند و نارضایتی‌اش بیشتر شده است، پس به نظرتان چرا این روند فیلترینگ همچنان ادامه دارد؟

این سوال را من هم دارم. واقعا ما می‌دانیم که این داستان فیلتر کردن نباید یک روش دائمی باشد. در برخی مواقع، شرایط مملکت ما به‌گونه‌ای است که لازم می‌شود در یک برهه خاص فیلتر کنیم، همه هم این را می‌پذیرند. مانند اتفاقات سال گذشته. رئیس‌جمهور آمد و گفت تا فضا آرام شود، ما فیلتر می‌کنیم. اینستاگرام و واتساپ را می‌بندیم. گفتند فضا که آرام شد رفع فیلتر می‌کنیم. اگر فضا آرام شده که به نظر آرام می‌آید، پس چرا رفع فیلتر نشد؟ این تضادی که در بیان هست، باعث عدم اعتماد در جامعه می‌شود. بله، مردم ما پذیرفتند که در شرایط بحرانی و شرایط خاص، اینستاگرام فیلتر باشد. وقتی که شرایط پایدار شد چرا ادامه دادید؟ این باعث می‌شود دفعه بعدی اگر حرفی زدید، مردم اعتماد نکنند. دوم اینکه در قصه فیلترینگ ما به قانون اساسی استناد می‌کنیم. فکر کنم اصل ۷۹ قانون اساسی باشد، آنجا بحث درمورد حکومت نظامی است. «برقراری حکومت نظامی ممنوع است. در حالت جنگ و اضطراری نظیر آن، دولت حق دارد با تصویب مجلس شورای اسلامی موقتا محدودیت‌های ضروری را برقرار سازد. ولی مدت آن به هر حال نمی‌تواند بیش از ۳۰ روز باشد. در صورتی که ضرورت همچنان باقی باشد، دولت موظف است مجددا از مجلس کسب مجوز کند.» اصل ۷۹ می‌گوید در جمهوری اسلامی اصلا حکومت نظامی نداریم. بعد در ادامه می‌گوید در شرایط جنگ و اضطرار، مانند اتفاقات پارسال، محدودیت ضروری در شرایط اضطرار و موقعیت مشابه یعنی چی؟ موقتا محدودیت اعمال کند. موقتا فضای مجازی یا اینترنت را دولت می‌تواند با تصویب مجلس ببندد. اگر بیشتر از ۳۰ روز شد، به هر حال باید مجدد از مجلس مصوبه بگیرند. این قانون اساسی ماست. سوال من این است که آیا شرایط پارسال شرایط اضطرار بود یا نه؟ بله. دولت براساس همین موضوع فیلتر کرد. رئیس‌جمهور صحبت کرد که تا شرایط عادی شود، می‌خواهیم این بسترها را ببندیم. الان شرایط تمام شده یا نه؟ تمام شده. اصلا احتیاجی به تفسیر ندارد. خیلی واضح است.

پس شما رسما می‌گویید فیلترینگی که انجام می‌شود، مخالف اصل ۷۹ قانون اساسی است؟

بله، غیرقانونی است. یعنی دولت باید از مجلس اجازه بگیرد.

شاید استدلال دولتی‌ها این است که اگر دوباره آزاد شود، دوباره به شرایط اضطراری برمی‌گردیم.

ما اجازه نداریم که تراوشات ذهنی خودمان را در قانون دخیل کنیم. قانون مشخص است. برخی از دوستان می‌گویند که این تصویب شورای عالی امنیت ملی بوده، آنجا باید تصمیم‌گیری شود. شورای عالی امنیت ملی هم فراقوه‌ای است. باز من همین را استناد می‌دهم. اگر شورای عالی امنیت ملی فراقوه‌ای است، باز ذیل همین قانون اساسی ما شکل گرفته و باید آن هم استناد به قانون اساسی داشته باشد. قانون اساسی ما قانون مادر است. یعنی باقی قوانین زیرمجموعه قانون اساسی می‌شوند. من سوالم این است؛ آیا بنده به عنوان نماینده مجلس می‌توانم در حوزه قانون اساسی سوال بپرسم؟ بله. می‌توانم تذکر بدهم؟ بله، در مجلس چیزی داریم به عنوان تذکر قانون اساسی. ما این تذکر را می‌دهیم که آقای دولت شما در حالت اضطرار فیلتر کردید، درست بود. مردم هم پذیرفتند. خودتان گفتید که وقتی شرایط آرام شد به حالت قبل برمی‌گردانید. چرا این کار را انجام ندادید؟

شما که خودتان نماینده مردم هستید درباره این نارضایتی مردم چه کار کردید؟ آیا در مجلس اقدام عملی هم انجام دادید؟

بله، ما تذکر دادیم و داریم پیگیری می‌کنیم. البته ما می‌توانیم از شخص رئیس‌جمهور و وزیر ارتباطات در این رابطه سوال کنیم. چون حالا این اتفاق زیرمجموعه وزارت ارتباطات است. اما وزیر ارتباطات در رابطه با فیلترینگ فقط مجری است. این سوال اساسی برای مردم است. بعد شما فیلتر کردید، قبل از فیلترینگ هم من اگر یک تعداد استوری می‌گذاشتم، ۱۲ هزار نفر می‌دیدند. الان که فیلترینگ کردید هم همان تعداد است. این نشان می‌دهد که با وجود فیلترینگ باز مسیر همان است. این را قبول ندارید؟ اشکال ندارد به قبل باز می‌گردیم. ما فیسبوک را فیلتر کردیم، توییتر را فیلتر کردیم، وی‌چت را فیلتر کردیم، وایبر را فیلتر کردیم، تلگرام را فیلتر کردیم. تا می‌رسیم به اینستاگرام و واتساپ. آیا با فیلتر کردن آنها نتیجه مطلوب‌مان حاصل شد؟ آنهایی که می‌گویند بله نتیجه حاصل شده، متوجه نیستند. اگر فهم درستی داشتند که پارسال آن اتفاقات در عرصه فضای مجازی رخ نمی‌داد. پس نباید اتفاقات سال ۹۸ و ۸۸ می‌افتاد دیگر! پس این فیلتر کردن به این شیوه نشان می‌دهد که فقط تولید نارضایتی می‌کند.

مردم بدنه حکمرانی را یکپارچه می‌بینند و چون بحث صیانت هم در مجلس مطرح بوده، فیلترینگ را زیر سر مجلس می‌بینند. مجلس می‌گوید دولت مقصر است. الان شما هم که می‌گویید وزیر ارتباطات مجری است. بالاخره تصمیم‌گیر این وضعیت فیلتر چی کسی است؟

اول اینکه صیانت در مجلس هیچ‌وقت تصویب نشد. طرح صیانتی که آقایان دنبال می‌کردند در مجلس تصویب نشد. این فیلترینگی که اتفاق افتاد، خروجی طرح صیانت نبود. خروجی اتفاقات پارسال بود. اگر آن اتفاقات نمی‌افتاد، قاعدتا بهانه‌ای هم برای فیلتر کردن نبود. البته اگر بخواهند، بهانه را پیدا می‌کنند ولی قاطعانه به شما می‌گویم که فیلترینگ به هیچ عنوان تصمیم مجلس نبوده و اصلا مجلس در این مورد طرف مشورت قرار نگرفت. هرچند که باید طرف مشورت قرار می‌گرفت و قانون می‌گوید با مصوب مجلس باید دست به این اقدام زده می‌شد. این در شورای عالی امنیت ملی اتخاذ شده و آنجا رئیس‌جمهور هم به عنوان رئیس شورای عالی امنیت ملی کشور، حضور دارد. الان هم اگر تصمیمی در جهت رفع فیلتر گرفته شود، باید همان‌جا صورت گیرد. تلاش می‌کنیم که بگوییم فیلتر کردن به این شیوه، کار درستی نیست و نتیجه مطلوبی را به دنبال ندارد. حتی شما امنیتی هم بخواهید نگاه کنید، این شیوه راهگشا نیست. کشورهای پیرامونی ما برایشان بعضا مشکلاتی پیش آمد، به طور مثال ترکیه. در ترکیه زلزله آمد و عده‌ای در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، تلاش می‌کردند که فضا را آلوده کنند. ترکیه موقتا توییتر را فیلتر کرد. اما به طور موقت تا فضا آرام شد. الان هم برخی آقایان مدعی هستند و می‌گویند در آمریکا هم این اتفاقات وجود دارد. واقعا کشورهای دیگر این‌طور فیلتر نمی‌کنند. برخی گفتند که شبکه تیک‌تاک در آمریکا فیلتر است. چقدر آقایان طرفدار فیلتر، این را چماق کردند و کوبیدند بر سر بقیه. اما تیک‌تاک در آمریکا برای همه فیلتر نیست. ما باید بستر فضای مجازی و اینترنت آمریکا را بررسی کنیم. بعد ببینیم تیک‌تاک در چه بستری آنجا فیلتر شده است. آیا برای همه مردم است؟ خیر. آیا برای تمام اینترنت است؟ خیر. جاهایی که وای‌فای استفاده می‌کنند، بعضا فیلتر است. آنجا پنج ساعت در رابطه با این فیلتر کردن بحث کردند. شما بگذارید اینجا هم موافق و مخالف شکل بگیرند و حرف‌شان را بزنند که البته امیدوارم این اتفاقات رقم بخورد.

حرف عامه این است که می‌گویند کسی که خودش فیلتر کرده، فیلترشکن می‌فروشد و از این طریق درآمدزایی می‌شود. این باور چقدر درست است؟

من این را مستند ندیدم. نه تایید می‌کنم و نه رد می‌کنم. وزیر ارتباطات هم گفته بود این باید مشخص شود. اما یک نکته را باید بگویم. وقتی اینترنت شما فیلتر باشد، برای استفاده از شبکه‌های اجتماعی، فیلترشکن نصب می‌کنید. این فیلترشکنی که شما نصب می‌کنید، مصرف دیتای شما را دوبرابر می‌کند. دیتا را دولت می‌فروشد. وقتی شما برای دانلود یک فایل دو برابر پول اینترنت بیشتری بدهید، قاعدتا پول بیشتری به مخابرات و وزارت ارتباطات می‌دهید. من نمی‌گویم آنها لزوما با این نیت این کار را کردند. این تصمیم ناخواسته یک فضای مبهمی را به وجود آورده که شما لاجرم مجبور می‌شوید این کار را انجام دهید.

شما آمار و ارقامی دارید که گردش مالی در حوزه اینترنت و فیلترینگ را نشان دهد؟

من برای شما مثال بزنم. من گفتم به نظر می‌رسد گردش مالی فیلترینگ در کشور ماه ۴۰ هزار میلیارد تومان در سال باشد. من این را حساب کردم. یک نظرسنجی در صفحه خودم گذاشتم و پرسیدم مردمی که دارید در اینستاگرام با فیلترشکن کار می‌کنید، چقدر پول اینترنت دادید؟ در آن زمان تقریبا ۳۰ هزار نفر شرکت کرده بودند. حداقل این مبلغ ۱۰۰ هزار تومان بود. این را لازم نیست من بگویم، همه این را تجربه می‌کنیم. اگر کسی نمی‌خواهد این را قبول کند، یا در این فضای جامعه نیست یا خودش را به نفهمی زده است. ۳۰ هزار نفر آنجا شرکت کردند و از آنها تقریبا ۲۰ هزار نفرشان فیلترشکن را می‌خریدند. ۱۰ هزار نفرشان گفته بودند رایگان استفاده می‌کنند. ۲۰ هزار نفر که حداقل صد هزار تومان پرداخت می‌کنند را شما حساب کنید چقدر می‌شود. این را در یک جمعیت بالاتری تناسب می‌بندیم. آمارها نسبت گرفتن نظرسنجی‌ها در یک جامعه آماری است. ما این را در نمودار بردیم. دیدیم از آن جمعیتی که در فضای مجازی ایران فعالیت می‌کنند، حداقل ۲۰ میلیون نفر فیلترشکن می‌خرند. ۲۰ میلیون را ضرب در حداقل ۱۰۰ هزار تومان در ماه کنیم، می‌شود دو هزار میلیارد در ماه. اگر در سال بخواهیم حساب کنیم، می‌شود ۲۴ هزار میلیارد. اگر فیلترشکن استفاده کنید، مصرف دیتای‌تان دوبرابر می‌شود، یعنی دوبرابر هزینه اینترنت می‌دهید. آن هم حداقل ۲۰ هزار میلیارد در نظر بگیریم، می‌شود ۴۴ هزار میلیارد در سال. حداقل این عدد می‌شود. چرا داریم این کار را می‌کنیم؟ واقعیت‌ها را من کنار هم‌دیگر گذاشتم. چرا آقایان حمله می‌کنند که این سیاه‌نمایی است. من سیاه‌نمایی نمی‌کنم. من روزگار سیاهی که بر سر مردم آمده را به آنهایی که نمی‌خواهند بفهمند، مستند نشان می‌دهم.

حرفی زده می‌شود که خب اصلا استفاده نکنند، از شبکه اینستاگرام استفاده نکنند. پیام‌رسان داخلی استفاده کنند. به جای توییتر، ویراستی نصب کنند. به جای اینستاگرام، روبیکا استفاده کنند. پاسخ شما به این چیست؟

ببینید ما نمی‌توانیم ذائقه مردم را با زور و فشار تغییر دهیم. من در شبکه‌های اجتماعی داخلی هم عضو هستم اما وقتی می‌بینم که عمده مخاطب من در اینستاگرام با من ارتباط می‌گیرند، از لحاظ ذهنی، عقلی، اجتماعی و هر چیزی که شما فکر می‌کنید، من به آن سمتی می‌روم که مخاطب بیشتری دارد. هرکسی که بخواهد سبک زندگی خودش را تبلیغ کند همین کار را انجام می‌دهد. چرا به سمت شبکه‌های اجتماعی داخلی نمی‌روند؟ این اعداد و ارقامی که نشان می‌دهند را من واقعا نمی‌دانم. مثلا اینکه ۵۰ میلیون کاربر در شبکه‌های اجتماعی داخلی داریم یا نداریم را من واقعا نمی‌دانم. ولی چرا عموم مردم اعتماد ندارد؟ چون به رفتارهای گذشته ما باز می‌گردد. حتما شما یادتان می‌آید در سال‌های ۸۸ شرکتی به نام رایتل آمد و گفتند ما می‌خواهیم تماس تصویری داشته باشیم. آقایان خدمت مراجع رفتند و به دروغ گفتند وامصیبتا که اسلام به خطر افتاد، مراجع چه نشسته‌اید که اینها می‌خواهند فساد و فحشا را در کشور نهادینه کنند. چه کسانی رفتند خدمت مراجع و این حرف‌ها را زدند و بعد مراجع حکم به حرام بودن دادند؟ پس چرا الان تماس تصویری ایرانسل و همراه اول دارد فعال می‌شود؟ چه چیزی باعث شده که حرمت آن برداشته شود؟ اینکه از لحاظ فنی همان است. می‌خواهیم بگوییم آقایانی که این تصمیم را می‌گیرید، امروز جوان ما آگاه شده. سوال آنها را دارم می‌پرسم، چه اتفاقی افتاد که سال ۸۹ تماس تصویری و ام‌ام‌اس رایتل حرام اعلام شد و یک شرکت جوان دانش‌بنیان بسته شد اما امروز همراه اول و ایرانسل این اجازه را دارند که تماس تصویری داشته باشند؟ می‌دانید تبعات آن تصمیم چه بود؟ تبعات آن تصمیم این بود که مردم برای اینکه برای همدیگر عکس بفرستند و تماس تصویری بگیرند، رفتند تلگرام. من نمی‌دانم اما شاید آن موقع این ممنوع نشده بود، مردم تا این اندازه در شبکه‌های اجتماعی خارجی فعال نمی‌شدند. بی‌اعتمادی حالا بیشتر شده است. الان اگر همراه اول تماس تصویری بگذارد، چه استقبالی از آن می‌شود؟ چرا استقبال نمی‌شود؟ برای اینکه آن اعتماد از بین رفته. در ذهن مخاطب و مردم با توجه به محدودیت‌های نادرستی که ایجاد کردیم، بی‌اعتمادی به وجود آوردیم. آن موقع‌ها کفن‌پوش شدند، باعث شدند که الان مردم اعتماد نکنند. امروز فیلترشکن می‌خریم و می‌رویم در واتساپ تماس می‌گیریم، امنیت بیشتری دارد. همین قصه سر آیفون‌ها هم در حال پیاده شدن است.

در رابطه با رجیستر نکردن آیفون یک نگاهی وجود دارد که هزینه بالای آیفون باعث خروج ارز از کشور می‌شود و این موضوع اصلا برای کشور خوب نیست، برای همین واردات آن ممنوع می‌شود و رجیستر نمی‌شود. شما توجیهی که در این باره دارید چیست؟

من یک نامه به آقای رئیس‌جمهور نوشتم، یکی از بندهایش همین بود. یک تصمیم درستی گرفته شد به نام رجیستری گوشی تلفن همراه. باعث شد قاچاق از بین برود. مردم هم پذیرفتند و گفتند اگر قرار است ما از گوشی استفاده کنیم، مالیاتش را می‌دهیم ولی قانونی استفاده می‌کنیم. الان با ممنوعیت آیفون دوباره قاچاق اتفاق افتاده است. رجیستری که یک قانون خوب بود و همه مردم پذیرفته بودند، حتی قاچاقچی‌ها هم پذیرفتند. باعث شده بود درآمدشان قانونی باشد، قاچاقچی را با قانون تبدیل به واردکننده کردیم. الان دوباره داریم همین قانون خوب را از بین می‌بریم. من کاری به آیفون هم ندارم، به زودی مطمئن باشید جوانان نخبه این کشور، راهکارهایی را ابداع خواهند کرد که گوشی‌های سامسونگ هم نیاز به رجیستری نداشته باشند. گوشی‌های شیائومی هم همین‌طور. جامعه مسیر خودش را می‌رود. دولت یا همان قوه مجریه این موارد را ممنوع می‌کند. کدام دولتی درآمدش را صفر و تبدیل به هزینه می‌کند؟ یعنی درآمدی که از واردات گوشی آیفون داشته را صفر کرده و الان برای مبارزه با قاچاق آیفون هزینه می‌کند. بعد هم می‌گویند چون آیفون ارزبری دارد، ما آن را ممنوع می‌کنیم!

یکی از موضوعاتی که در سال‌های اخیر شما به آن پرداختید، موضوع واردات خودرو است. شما گفتید خودرو کارکرده وارد کنیم و اعتراضات و انتقاداتی متوجه این پیشنهاد شما شد، کلا الان وضعیت واردات خودرو به چه صورت است؟

من این را باید توضیح دهم. ما در قصه واردات خودرو دو مبحث داریم، یک تصویب قانون و دو اجرای قانون. تصویب قانون برعهده مجلس است. اجرای قانون برعهده دولت است و نظارت بر اجرا برعهده قوه قضائیه است. پس ما در مجلس کاری که

ادامه در صفحه۷

ادامه از صفحه۲

کردیم این بود که واردات خودرو را چه نو و چه کارکرده به قانون تبدیل کردیم. یعنی دیگر دولت‌ها نمی‌توانند در حوزه واردات خودرو رفتارهای سلیقه‌ای داشته باشند. ملزم به اجرای قانون شده‌اند. اما قانون آیین‌نامه یا اجرای آن را برعهده دولت گذاشته است. اما اینکه ما امروز مشکلی در واردات خودرو داریم، برمی‌گردد به حوزه اجرا، یعنی وزیر قبل سنگ‌اندازی کرده، وزیر فعلی در حال کمک دادن است، بانک مرکزی مشکلات خودش را دارد. تعرفه‌های سرسام‌آوری که دولت یعنی قوه مجریه روی واردات بسته؛ ماشین ۷۰۰ میلیون تومانی یعنی ۱۴ هزار دلاری را در شورای رقابت که فراقوه‌ای است، و سازمان حمایت از مصرف‌کننده که زیرمجموعه وزارت صمت است، ۳۰ یا ۴۰ هزار دلار کردند و زیر یک میلیارد به مردم نمی‌فروشند. همین دولت نمی‌فروشد. ما در حوزه نظارت در این داستان ورود کردیم و داریم پیگیری می‌کنیم. بنده از وزیر محترم صمت در مجلس در این باره سوال پرسیدم. من می‌توانم به عنوان نماینده مجلس سوال بپرسم، تذکر دهم، استیضاح کنم و شکایت به قوه قضائیه داشته باشم. ما از وزیر سوال پرسیدیم که چرا سازمان حمایت از مصرف‌کننده به نوعی سازمان علیه مصرف‌کننده تبدیل شده است؟ حتی ما آن ۹۰ درصد تعرفه دولت که افزایش داده شد را قبول داریم. اما ماشین‌هایی که الان می‌آید، ۱۹۰ درصد عوارض گرفته می‌شود.

بحثی که شما مطرح کردید، واردات خودروی اقتصادی بود. قیمت‌های فعلی بازار همه بالای یک میلیارد است. شاید تعریف مردم از خودروی اقتصادی و آنچه که بدنه حکمرانی تعریف می‌کند متفاوت است. یعنی انگار تعریف خودروی اقتصادی که مردم می‌گویند با تعریف خودروی اقتصادی که حکمرانی می‌گوید متفاوت است. نظر شما در این باره چیست؟

من هیچ‌وقت اسمی از خودروی اقتصادی نیاوردم و این دولت بود که می‌گفت این خودروها خودروهای اقتصادی هستند. ارزان‌ترین خودروهایی که در بازار جهانی در حال تولید است، زیر هشت هزار دلار نیست. البته الکی‌ترین که هشت هزار دلار است یک سر و گردن از خودروهای داخلی بهتر است! هشت هزار دلار به پول امروز ما می‌شود ۴۰۰ میلیون تومان. وقتی همین دولتی که می‌گوید می‌خواهد خودروی اقتصادی بیاورد، هشت هزار دلار را ۱۰۰ درصد عوارض به بندد، نهایتا بشود یک میلیارد تومان، دیگر چرا باید به آن خودرو اقتصادی بگوید؟ نامش دیگر خودروی اقتصادی نیست. وقتی همین دولت، خودروی ۱۰ هزار دلاری را ۳۰ هزار دلار می‌کند، بعد عده‌ای تقصیر را می‌اندازند گردن نمایندگان مجلس که گفتند خودروی اقتصادی اما خودروی لوکس وارد شده است. اصلا خودرو ۱۰ هزار دلاری هیچ جای دنیا لوکس نیست. اگر ۱۰ هزار دلار لوکس است، پس ۲۰۰ هزار دلار چیست؟ مثلا الان تویوتا کرولایی که آمده، قیمتش ۱۶ هزار دلار است، می‌شود یک میلیارد تومان. چطور دو میلیارد و ۳۰۰ میلیون فروخته می‌شود؟ این را باید به مردم بگوییم. این کار کار بزرگی است اما باید درست انجام شود تا روی غلتک بیفتد. ما بین سال‌های ۸۷ تا سال ۹۷ که واردات خودرو داشتیم، حداقل ۱۸۰ یا ۲۰۰ هزارتا خودرو وارد کشور شد که از این ۲۰۰ هزارتا تقریبا ۱۰ هزارتایش ۶۰ سیلندر به بالا بود که اصطلاحا به آن خودروی لوکس می‌گویند. همین ۲۰۰ هزارتا در ۱۰ سال باعث شد که بازار خودروی ما بسیار باثبات شود و مردم بتوانند با قیمت‌های مختلف خودرو بخرند.

چرا مجلس درباره این عوارض کاری نمی‌کند؟ مگر مجلس قدرت قانونگذاری ندارد؟

دست مجلس نیست. در واقع دست مجلس باز نیست. البته ما صحبتی با دوستان دیگر داشتیم تا ببینیم کدام قوانین را می‌توانیم اصلاح کنیم، تا این عوارض کمتر بشود ولی خب وقتی ۲ تا ۹ درصد مالیات بر ارزش افزوده بر یک خودرو می‌گیریم، این دیگر در اختیار مجلس نیست. خیلی جالب است. خودرویی که می‌آید ما یک دفعه ۹ درصد مالیات ارزش افزوده می‌گیریم، یک دفعه هم که همه مالیات و عوارض را گرفتیم، با قیمت درب شرکت ۹ درصد مالیات می‌گیریم. یعنی روی یک خودروی ۶۰۰ میلیونی ما فقط ۳۰۰ میلیون مالیات می‌گیریم. این به جز باقی عوارض است. مالیات بر مصرف سوخت داریم. پنج درصد قیمت خودرو را برای سوختی که بعدا قرار است مصرف کند به عنوان مالیات می‌گیریم!

انتخابات خیلی نزدیک است. در دور قبل ما لیست‌هایی را دیدیم که همه‌شان رای آوردند و وارد مجلس شدند اما همین لیست‌های یکپارچه که کل آن وارد مجلس شد، در مجلس چندپارچه شدند و حتی تبدیل به ضد هم شدند. جریان‌شناسی شما از این دوره مجلس که در آن حضور داشتید چیست؟

من آدم سیاسی نیستم. اما به نظرم می‌آید که شما بیشتر به لیست تهران اشاره داشتید. وگرنه در شهرستان‌ها که نمایندگان‌شان به دنبال قیر، آب، دام، غذای دام و طیور و کارهای عمرانی هستند. من چیزی که در لیست این دوره مجلس که قالیباف هم سرلیست بودند دیدم این بود که خیلی‌ها در لیست تهران، علیه آقای قالیباف موضع‌گیری‌های عجیب و تندی داشتند. به نظر می‌رسید در این لیستی که به عنوان شورای شانا بود اختلاف نظرهای زیادی داشتند و فکر می‌کنم این دوره مجلس آن جریان تندرو را از لیست‌شان کنار بگذارند. به نفع‌شان است. به نفع مملکت است که اینها نباشند. من خطر این جریان را می‌بینم. آدم‌های خوب زیاد دارند اما آنهایی که به این آدم‌های خوب خط‌دهی می‌کنند، تنها چیزی که برایشان مهم نیست، منافع مردم است. تنها چیزی که برایشان اهمیت ندارد رضایتمندی مردم است. تنها چیزی که برایشان مهم نیست، بی‌اعتمادی مردم نسبت به حاکمیت است. اینکه چه چیزی برایشان اهمیت دارد را نمی‌دانم اما به جز آن بنده خدایی که در تلویزیون گفت مملکت مال ماست و هر کسی نمی‌خواهد برود، اینها هم تفکرشان همین است. این جریان که من به زودی راجع بهشان بیشتر صحبت خواهم کرد و اسم هم خواهم آورد، تضادی که در رفتار و عمل‌شان هست، تضادی است که جوانان ما می‌بینند.

با این حساب ترکیب مجلس بعدی را چه مدلی پیش‌بینی می‌کنید؟

من گفتم چه تایید بشوم و چه نشوم که ان‌شاءالله تایید خواهم شد، تمام تلاشم را می‌کنم تا کمتر از این جریان وارد مجلس شوند. یک نفرشان هم زیاد است. همه می‌دانند من چه جریانی را می‌گویم. به نظر من این مجلس عملکردش، عملکرد خیلی خوبی بود ولی همین جریان مجلس را بارها به حاشیه برد و آنقدر خوراک برای بیگانه آماده کرد که با آن مجلس را می‌زنند یا خیلی اتفاقات دیگر. مثلا یکی از همین آقایان روز اول بلند شد و گفت ۳۲۰ میلیون برای ما واریز کردند. این در ذهن جوان چه چیزی را ایجاد می‌کند؟ اینکه نماینده مجلس حقوقش ۳۲۰ میلیون تومان است. درصورتی که حقوق من نیست. ۲۰ میلیون تومان حقوق و ۳۰۰ میلیون تومان هم ودیعه مسکن به او داده بودند تا دفتری را در تهران رهن کند ولی با یک حرف نسنجیده، با یک رفتار نسنجیده این‌طور شد. من نمی‌گویم به عمد و با این نیت که مردم را در برابر حاکمیت قرار دهند، این کار را می‌کنند، مثلا یکی دیگر از آنان جدیدا گفته هرکسی که با صیانت مخالف بود باید ردصلاحیت شود. خیلی حرف بی‌راهی است. اتفاق افتادنش را نمی‌دانم، باید جلوتر برویم. فعلا این مرحله هیات اجرایی بود. اصل کار هیات نظارت و شورای نگهبان است. این جریان تفکرش این است که همه چیز همین است که ما می‌گوییم و هرکسی که نمی‌خواهد جمع کند و برود.

این‌طور که شما می‌گویید پس این جریان مخالف مشارکت است و مشارکت به ضرر است.

بله، شک نکنید. اصل کارشان را بر این گذاشته‌اند که مشارکت کم باشد تا خودشان و آدم‌های خودشان رای بیاورند.

این دقیقا نقطه مقابل کلام رهبری است، یعنی شما می‌گویید این جریانی است که می‌گویید مقابل سخن رهبری ایستاده است؟

دقیقا نقطه مقابل حرف مقام معظم رهبری. اینها با دوقطبی‌هایی که سعی می‌کنند در جامعه بسازند می‌خواهند به هدف‌شان برسند. در رسانه‌های مختلفی -که دارند- سعی بر دوقطبی‌سازی می‌کنند. از این امر دو هدف دارند؛ اول اینکه آن نیروهایی که با خودشان هستند، قوت قلب بیشتری بگیرند و حتما در انتخابات حضور داشته باشند. دوم اینکه آحاد مردم به واسطه رفتار نادرست، ناصواب و تند اینها با صندوق‌های رای قهر کنند. من خیلی از این موضوع نگران هستم؛ چراکه اگر مردم مشارکت نکنند این جریان حتما می‌تواند مجلس را در دست بگیرد و تصویب طرح‌هایی مانند صیانت کوچک‌ترینش خواهد بود. هشدار جدی می‌دهم.

پنج اقدام خوب مجلس در دوره نمایندگی شما چه بوده و اگر صلاح می‌دانید پنج اقدام بد مجلس را هم بگویید.

در این مجلس قوانینی تصویب شد که سال‌ها مورد مطالبه آحاد مردم بود. یک، قانون رتبه‌بندی معلمان. من اجرایش را کار ندارم. دو، قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار که بحث رشوه و رانت برای مجوز را در کشور بست. سه، قانون تصویب قیر رایگانی که در اختیار دهیاری‌ها و شهرها قرار گرفت که یک انقلابی ایجاد شد، یعنی به دولت اجازه داده شد تا معابر روستایی و شهری را آسفالت کند که قبلا این قانون نبود. چهار، قانون حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان. این اتفاق افتاد. قانون تعالی جمعیت که ۱۰ سال روی آن کار می‌شد در مجلس تصویب شد. واردات خودرو، ساماندهی صنعت خودرو، چه نو و چه کارکرده در همین مجلس تصویب شد. درخصوص برنامه هفتم چون افق بلندمدتی بود، بهترین کاری که کردیم همسان‌سازی حقوق بازنشستگان بود که برای دولت تکلیف کردیم طی پنج سال به صورت پلکانی انجام دهد. فکر می‌کنم در کمیسیون تلفیق رای آورد یا بحث خدمت سربازی را در همین مجلس خیلی تقویت کردیم. ما در مجلس باید وظیفه خودمان را انجام دهیم، به ستادکل کاری نداریم. اتفاق خیلی خوبی در سربازی رقم خورد. وقتی آمده بودیم حقوق سربازها ۲۰۰ هزار تومان بود اما الان به هشت میلیون هم رسیده است، من مثلا در بحث برنامه هفتم با آن ماده ۷۵ مخالف بودم که اصطلاحا به آن رصد سبک زندگی مردم می‌گفتند. سوال من هم این بود که دقیقا قرار است چه اتفاقی بیفتد؟ یک اصلاحیه برای این کار گذاشتیم و گفتیم باید دو شرط داشته باشد، اول اینکه راجع به رفتار فرهنگ عمومی باشد و دو با حکم قاضی باشد؛ چراکه قانون اساسی ما این را می‌گوید، مثلا ما مخالف برخی افزایش مالیات‌ها بودیم اما من به صورت کلی این مجلس را خیلی قوی و توانمند دیدم. ای کاش آن جریانی که گفتم آنقدر حاشیه‌سازی نمی‌کردند.

یکی از طرح‌های مجلس که سال‌هاست بر سر تصویب و عدم تصویبش و حتی شیوه اجرایی آن بحث است، شفافیت است. سوال اینجاست که چرا شفافیت در مجلس تصویب نمی‌شود؟

شفافیت در مجلس تصویب شده است، سوءبرداشت نشود. شفافیت در مجلس به صورت کامل تصویب شده است. روی دو نقطه ایراد وجود دارد؛ یکی جلسات مجمع تشخیص مصلحت نظام، آن هم جلساتی که راجع به مصوبات مجلس گرفته می‌شود، یعنی اختلاف بین شورای نگهبان و مجلس که باشد، به مجمع می‌رود. ما گفتیم این باید شفاف باشد و دوم مصوبات شورای عالی نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری که گفتیم جلساتی که مصوبات مجلس در آن دخیل است، باید شفاف باشد. بقیه موارد تصویب شده‌اند و همه موافقت کرده‌اند. اجرا باقی مانده که دست خودشان است. درخصوص همه قوا تصویب شده، مانده مجمع و شورای عالی نظارت که اینها مخالفت می‌کنند. این را هم باز پرانتز گذاشتیم، یعنی گفتیم آن جلسه‌ای را که مربوط به اختلاف نظر مجلس و شورای نگهبان است، شفاف کنند. در بعد امنیتی‌اش هم دیدیم که اگر بعد امنیتی داشت، نمی‌خواهد شفاف شود.

احراز صلاحیت‌های هیات نظارت اعلام شده است. به نظر شما آیا رفتارهای قانونی نمایندگان در روند احراز صلاحیت‌شان تاثیری داشته؟ شائبه‌ای وجود دارد که کسانی که به استیضاح وزیر کشور رای داده‌اند همه ردصلاحیت شده‌اند. آیا چنین مواردی بوده؟

نه، اتفاقا یکی از کسانی که پیگیر استیضاح وزیر کشور بود، آقای شجاعی بود. محور استیضاح با ایشان بود ولی ردصلاحیت نشد. حداقل من شنیدم که رد نشده ولی رفتارهای سلیقه‌ای برخی‌ها با توجه به رفتارهای قانونی نمایندگان می‌تواند باعث ردصلاحیت باشد.

شما مجددا ثبت‌نام کرده‌اید. کارویژه‌تان را در مجلس بعدی چه می‌بینید؟

مقابله با زیاده‌خواهی افرادی که باعث ایجاد بدبینی و ناامیدی در جامعه شده‌اند. من هدفم از حضور در مجلس بعدی این است تا می‌توانم این افراد را رسوا کنم. واقعا می‌گویم، چون اینها هستند که به این مملکت آسیب می‌زنند. اینها هستند که باعث شده‌اند جوانان ما نسبت به خیلی از ارزش‌های‌مان بدبین شوند. آنجاکه ما شاخص‌های انقلاب را فراموش و یک سری افراد را شاخص کرده‌ایم و انقلاب و انقلابیگری و انقلابی بودن را با این افراد سنجیدیم، آسیب دیدیم. من هدفم از حضور در مجلس بعدی این است که بگویم جوانان شاخصه‌های انقلاب را در نظر بگیرید و آدم‌ها را با اینها بسنجید، نه اینکه چهار آدم را شاخص کنید. اگر همه دست‌به‌دست هم بدهیم تا این افراد را رسوا کنیم، این مملکت گل و بلبل می‌شود. شک نکنید. اگر امروز جلال رشیدی پشت تریبون بگوید که ای مردم! یک وعده غذا بخورید و خودش سر میز پلوی چرب و سه وعده با گوشت می‌خورد، مردم این را می‌بینند. در جمهوری اسلامی کسی مردم را دعوت به ساده‌زیستی می‌کند و خودش در عمل ساده‌زیست نیست، پس آن جوانی که این تفاوت را رصد می‌کند، نسبت به آن آدم بد نمی‌شود؛ چراکه آن را شاخص می‌بیند. این شاخص است پس جمهوری اسلامی بد است، پس اسلام بد است. اسلام ایراد ندارد مسلمانی ما ایراد دارد. من اگر یک روز کاره‌ای در این مملکت بودم و قدرتی داشتم، خیلی بیشتر از نمایندگی، یک زندان شیشه‌ای درست می‌کردم. تمام مسئولانی که در رفتارشان تخلف داشته‌اند و جرم مرتکب شده بودند فارغ از مسئولیت‌شان اگر حکم قاضی برایشان صادر می‌شد، می‌گفتم ببرید به این زندان شیشه‌ای و مردم ببینند که جمهوری اسلامی با مسئول متخلف چه برخوردی دارد؛ هیچ تعارفی ندارد.

پیش‌بینی شما درمورد ترکیب مجلس بعدی چیست؟ فکر می‌کنید این جریانی که شما خیلی هم به آن انتقاد دارید چطور خواهند بود؟

بستگی به مشارکت مردم دارد. این جریان عقبه اجتماعی خاص خودش را دارد که من آنها را حتی در قشر مذهبی هم تعریف نمی‌کنم. عقبه خاصی هستند. این جریان اصلا هم مورد اقبال حتی بچه‌های مذهبی حقیقی و انقلابی نیست. این جریان تمام تلاشش این است که مشارکت پایین باشد. می‌دانم و از پشت پرده‌شان حرف‌هایشان را شنیده‌ام. اگر مشارکت مردم متوسط هم باشد، قطعا اینها راه پیدا نخواهند کرد اما اگر مشارکت حداقلی باشد، متاسفانه باید بگوییم که راه پیدا خواهند کرد.

ممکن است بعضی‌ها بعد از مشاهده نظرات شما این تصور برایشان به وجود بیاید که شما دارید این حرف‌ها را برای رای جمع کردن می‌زنید. پاسخ‌تان به این نگاه چیست؟

من اعتقادم این است که خدا بر دل‌ها آگاه است. این برای من خیلی مهم است و اقداماتی را هم که انجام داده‌ام با همین ذهنیت پیگیری کردم. اگر کسی آمد حرف مردم را زد، آن را پیگیری کرد و با اصرار به نتیجه رساند بگوییم دارد برای رای این کار را می‌کند حرف زیبایی نیست. مثلا در ماجرای خودرو ما چند سال پیگیری کردیم تا به نتیجه رسید، یا صیانت یا موارد دیگر. ضمن اینکه حتی اگر برای رای هم باشد خیلی خوب است که نمایندگان برای رای هم که شده پیگیر مشکلات مردم باشند و گره‌ای از مشکلات‌شان باز کنند. اگر بخواهیم چنین نگاهی داشته باشیم بنابراین هر نگاهی که هر نماینده‌ای دارد ریز و درشتش را برای رای تلقی می‌کنیم، حتی اگر برای رای هم باشد همین که مشکلی از مردم رفع می‌کند کفایت می‌کند. این را هم باید بگویم که موضوعاتی که خودم پیگیری کردم به دلیل حساسیتی که داشت بیشتر از اینکه منافعی برای من داشته باشد باعث شد جریانات خاصی علیه من فعالیت کنند و شاید به خاطر چنین پیگیری‌هایی حتی من به مرحله انتخابات و رای‌گیری هم نترسم.

از تهران تا پاریس و لندن حمایت از فلسطین به یک ادبیات و آیین مشترک تبدیل شده است

جنبش قدس

علی مزروعی
خبرنگار گروه نقد روز

همزمان با مردم سراسر جهان و مردم سراسر ایران، روز شنبه راهپیمایی مردم تهران در دفاع از کودکان غزه و در محکومیت جنایات رژیم صهیونیستی، در مسیرهای منتهی به میدان انقلاب اسلامی برگزار شد. مردم تهران در تجمع گسترده در میدان انقلاب اسلامی با در دست داشتن پرچم‌های زردرنگ منقش به عبارت «حریفت منم»، پرچم ایران و پرچم فلسطین به حمایت از مردم فلسطین پرداختند. در تقاطع خیابان وصال شیرازی- انقلاب اسلامی تعدادی از شرکت‌کنندگان در راهپیمایی با پوشیدن پیراهن‌های سفید و در دست داشتن پلاکاردهایی با این مضمون که «هر ۱۲ دقیقه یک کودک» به کشتار کودکان به‌دست رژیم صهیونیستی اعتراض کردند. در خیابان انقلاب اسلامی و در آستانه یکی از درهای دانشگاه تهران، تعدادی از دختران نوجوان و خردسال با در دست داشتن نمادهایی از کودکان کفن شده، به کشتار کودکان فلسطینی اعتراض کردند. با قدم نهادن در میدان انقلاب اسلامی اولین چیزی که نگاه را به خود جلب می‌کند، دیوارنگاره بزرگ است که روی آن چنین نوشته است: «نشد حریف پدر، کودکش را کشت». همچنین نمادهایی از شهدای کفن‌پوش شده در میدان انقلاب قرار داده شده بود تا یکی از اثرگذارترین صحنه‌های راهپیمایی پرشور تهران ایجاد شده باشد. در این همایش سردار سلامی، فرمانده کل سپاه به سخنرانی پرداخت که در ادامه بخش‌هایی از مهم‌ترین مباحث مطرح شده توسط وی را مرور می‌کنیم.

آمریکا برای نجات رژیم صهیونیستی از فروپاشی وارد عمل شد

آنچه در طوفان الاقصی به عنوان استثنایی‌ترین عملیات غافلگیرکننده نبردهای بشری اتفاق افتاد، انعکاسی از ظلم‌های یکصدساله بریتانیا، آمریکا، فرانسه و رژیم صهیونیستی در حق ملتی است که ۷۵ سال آنها را از سرزمین خود بیرون رانده و آواره کرده‌اند و عزت، آرامش و پیشرفت را از آنان گرفته‌اند. وزیر خارجه آمریکا به برخی از مقامات کشورهای منطقه گفت وقتی پس از طوفان الاقصی به تل‌آویو رسیدند رژیم صهیونیستی در حقیقت فروپاشیده و گرد مرگ بر صورت مقامات صهیونیستی و فرماندهان آنها پاشیده و همه آنها متلاشی شده بودند، ولی آمریکایی‌ها به میدان آمدند و فرماندهی ستاد فرماندهی مرکزی ایالات متحده آمریکا (سنتکام) از ترس در مصر مستقر شد و سپس آنها به سرزمین‌های اشغالی آمدند تا مدیریت و هدایت نظامی جنگ علیه کودکان بی‌دفاع غزه را به عهده بگیرند و این نشان می‌دهد فروپاشی این رژیم کار سختی نیست.

صهیونیست‌ها در باتلاق جنگ نامرئی

فرمانده کل سپاه با تاکید بر اینکه مسلمانان انتقام خواهند گرفت و انتقام مسلمانان از ظالمان تاریخ انقضا ندارد، گفت: «جوانان فلسطینی جنگی نامرئی و ناشناخته و رویت‌ناپذیر را آغاز کردند، صهیونیست‌ها آنها را نمی‌بینند ولی آنها صهیونیست‌ها را می‌بینند و پیروزی با کسانی است که دیده نمی‌شوند. صهیونیست‌ها حتی شب‌ها از سایه خود می‌ترسند و غزه در مسیر پیروزی است. فلسطین در مسیر جنگی فرسایشی قرار دارد و به‌تدریج غلبه خود را نشان خواهد داد و حماس و جهاد مقاومت نابود شدنی نیستند.» وی این سرزمین را متعلق به مردم فلسطین دانست و گفت: «جنگ نامرئی به نفع فلسطین است، جنگ بین کسی که از سرزمین خود دفاع می‌کند تا آنکه به‌دنبال غصب سرزمین است، همیشه به نفع کسی است که از سرزمین خود دفاع می‌کند.»

دیر از خواب بیدار شدند

فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی عنوان کرد: «معمولا آمریکا وقتی به داد صهیونیست‌ها می‌رسد که زمان دیر است، حتی این بار هم این ماجرا به همین شکل انجام شد، نه اعتماد ارتش صهیونیستی که از خود یک ارتش افسانه‌ای ساخته بود می‌تواند مانع از اجرای عملیاتی‌های سنگین برانداز علیه رژیم صهیونیستی باشد و نه آن دستگاه اطلاعاتی مخوف و پیچیده‌ای که صهیونیست‌ها با تکیه بر آن شب‌ها آرام می‌خوابیدند و نه امنیت داخلی این رژیم.»

یک حرکت الاقصی دیگر

سردار سلامی افزود: «عملیات طوفان الاقصی نشان داد فاصله جغرافیایی بین رژیم صهیونیستی تا شرایط عادی فقط ۸۰ کیلومتر است از شمال فقط ۱۲۰ کیلومتر، از جنوب ۸۰ کیلومتر، از شرق کمتر از ۶۰ کیلومتر فاصله جغرافیایی است تا یک حرکت الاقصی مانند و یک طوفان دیگر این رژیم را درهم بشکنند و آن را متلاشی کند.»

خطای راهبردی صهیونیست‌ها

فلسطینی‌ها در ادامه به جنگ زمینی روی آورند به‌گونه‌ای که ابتدا صهیونیست‌ها در بهت و حیرت فرو رفتند و آمریکایی‌ها به داد آنها رسیدند تا به آنها اعتمادبه‌نفس دهند، آنان را کمی سرپا نگه داشتند تا اینکه بمباران‌ها شروع شد و بعد از دوهفته نبرد زمینی را آغاز کردند و تصورشان این بود که می‌توانند با حرکت بیش از ۱۶۰۰ تانک و با یک بمباران هوایی بی‌وقفه و مستمر، مقاومت مردم فلسطین و حماس و جهاد اسلامی را بشکنند. آنها یک خطای بزرگ را مرتکب شدند. تا وقتی پشت دیوارها بودند، مجاهدان فلسطینی به آنان دسترسی نداشتند و تانک‌ها در امنیت بودند، اما یک تصمیم اشتباه گرفتند و به یک انتحار و خودکشی دست زدند. این فرصتی برای فلسطینی‌ها بود که از پشت دیوارهای مستحکم خود خارج شدند، موانع برداشته شد، نه سیم خارداری، نه میدان مینی و نه دیوار بتونی، هیچ چیز مانع نبود و آنها در درون گروه‌های فلسطینی منتشر و با هم ترکیب، ادغام و به هم نزدیک شدند و بچه‌های فلسطین تازه فرصت جنگ پیدا کردند.

جنگ فرسایشی شده است

سردار سلامی ادامه داد: «چند روزی زمان برد تا مجاهدان فلسطینی و حماسی‌ها و جهادی‌ها، گردان‌های عزالدین قسام و قدس خود را با شرایط جدید تطبیق دهند و قاعده این نبرد را به زیبایی بیاموزند و نقطه ضعف دشمن را تشخیص دهند و شاید چندروز، عده‌ای احساس کردند شعله‌های مقاومت کم‌فروغ شده است اما به سرعت جوانان فلسطینی قاعده نبرد را به زیبایی تمرین کردند و آموختند و از فاصله‌های نزدیک و صفر به سراغ تانک‌ها، نفربرها و بلدوزرها آمدند و آنها را مورد هدف قرار دادند و از حدود ۱۶۰۰ تانک و نفربر و بلدوزرها و خودروها تا به امروز، ۲۸۰ دستگاه به‌دست فلسطینی منهدم شد و اینک جنگ واقعا فرسایشی شده است.»

همه چیز برای یک فتح آشکار آماده است

برای آمریکا و اسرائیل هیچ عنصری از پیروزی در نبرد جاری غزه وجود ندارد، درحالی‌که برای فلسطینی‌ها همه چیز برای یک فتح آشکار و مبین آماده است و این حمایت‌های درخشان شما مردم است که با همه ایمان و قلب‌های خود امروز به میدان آمده‌اید و همه سرزمین ایران را یک غزه بزرگ کرده‌اید. این هم عاملی برای قدرت روحی آنهاست. نبرد خاتمه نیافته است هر آنچه جهان اسلام باید انجام دهد، انجام می‌دهد و هنوز ظرفیت‌های عظیمی باقی است که به‌کار گرفته نشده و دشمنان ما نباید فکر کنند که می‌توانند به آرزوهایشان دست یابند. مسلمانان، مجاهدان، انقلابیون و جوانان جهان اسلام به این دشمنان بی‌ریشه اجازه عرض‌اندام نمی‌دهند.

به ما هم بگویید چرا اینترنت قطع می‌شود؟

زینب مرزوقی
خبرنگار گروه نقد روز

فقط کافی است کلیدواژه «قطعی اینترنت» را گوگل کنید و با انبوه پیشنهادهای مرتبط با قطعی اینترنت، مانند «قطعی اینترنت امروز» روبه‌رو شوید. اینترنت کشور در صبح روز شنبه ۲۷ آبان‌ماه حال خوبی نداشت و کاربران ایرانی صبح روز گذشته به شکل گسترده‌ای با قطعی اینترنت روبه‌رو شدند. خبرها حاکی از آن است که صبح شنبه از ساعت ۹:۴۵ دقیقه تا ساعت ۱۰:۳۰ دقیقه امکان دسترسی به صفحات بین‌المللی و زیرساخت‌های شبکه‌های خارجی برای کاربران ایرانی دچار اختلال شد و کاربران ایرانی تنها می‌توانستند به سرویس‌های داخلی دسترسی داشته باشند. خبری که می‌توانست در کوتاه‌مدتی شایعه‌های داغی را تولید کند اما خیلی نگذشته بود که روابط عمومی شرکت ارتباطات زیرساخت اعلام کرد: «این مساله مربوط به اختلال در شبکه انتقال استان تهران است. طبق اعلام شرکت زیرساخت، به دنبال ایجاد اختلال در شبکه انتقال استان تهران از ساعت ۹ و ۴۵ دقیقه صبح تا ۱۰ و ۲۵ دقیقه در ارائه ترافیک داخل و بین‌الملل اپراتورهای کشور اختلالی رخ داد.» در این بیانیه اعلام شد اقدامات لازم صورت گرفت و شبکه به حالت عادی بازگشت و در حال حاضر هیچ‌گونه اختلالی در شبکه ارتباطات زیرساخت وجود ندارد. این در حالی است که یکی از گروه‌های هکری نیز مدعی شده است زیرساخت‌های مخابراتی ایران را هک و کل اینترنت ایران را مختل کردند، اما این ادعا تا به این لحظه تایید نشده و در بیانیه شرکت زیرساخت نیز هیچ اشاره‌ای به این ادعا نشده است. به دنبال ایجاد این اختلال؛ ما در «فرهیختگان» به دنبال جمع‌آوری و به دست آوردن اختلالات به‌وجودآمده در یک الی سه ماه اخیر بودیم اما متوجه شدیم که از مشکلات موجود در حوزه زیرساخت اینترنت؛ نبود یک سامانه جامع، یکپارچه و منسجم برای رصد اختلالات شبکه اینترنت است. صرفا یک سامانه و رصدگری در کشور وجود دارد که ارجاعات آن، عمدتا به سایت بین‌المللی رصد ترافیک است و در عین حال هم رصدگری این سایت جامع و کامل نیست و شبکه‌های خارجی را پوشش نمی‌دهد. این مساله خودش به‌تنهایی یک خلأ درخصوص رصد اختلالات شبکه به حساب می‌آید و کارشناسان حوزه اطلاعات و فناوری معتقدند که وجود سامانه رصد اختلالات شبکه از جمله حق دسترسی به اینترنت آزاد است. به هر روی؛ آنچه که امروز رخ داد و عذرخواهی شرکت ارتباطات زیرساخت را به دنبال داشت، باعث شد که توجه‌ها به خلأ بزرگ‌تری در زیرساخت ارتباطات منعطف شود و این خلأ دقیقا نبود سامانه یکپارچه رصد وضعیت اختلال و ترافیک اینترنت در کشور است. البته در این بین نیز ناگفته نماند که این اولین اختلال در چند ماه اخیر نیست و آنچه در این بین باعث تعجب شد، عذرخواهی شرکت مربوطه با این امر بود و پرسشی که شاید برای کاربران نیز به وجود آمده این است که این اختلال با اختلال‌های قبلی چه تفاوتی داشت که وزارت ارتباطات از کاربران عذرخواهی کرد؟ جدای از این مساله؛ امری که می‌تواند مطالبه اغلب کاربران باشد، شفافیت در روشن کردن دلیل اختلال است. به این معنا که کاربر حق دارد بداند در روز گذشته به چه دلیل در دسترسی به اینترنت اختلال وجود داشت؟ و البته اعلام اختلال در دسترسی، جزء بدیهی‌ترین حقوق دسترسی کاربران است. چندی پیش نیز پارس‌آنلاین از اپراتورهای اینترنت ثابت که شاید قدیمی‌ترین اپراتور ایرانی است دچار اختلال جدی در وضعیت اینترنت شد و کاربران اینترنت این شرکت تقریبا یک روز بدون اینترنت را گذراندند. این در حالی است که هم سایت پارس‌آنلاین و هم تلفن‌های آن از دسترس مخاطبان خارج شده بود و حتی صفحه اینستاگرام این اپراتور احساس نکرد که باید در این زمینه اطلاع‌رسانی کند، بلکه ترجیح داد تمام دسترسی‌های مخاطبانش را برای اطلاع از وضعیت اینترنت ببندد و مخاطبان تنها از طریق برخی شبکه‌های اجتماعی و شکایات کاربران مربوط به این اپراتور متوجه قطعی سراسری پارس‌آنلاین شدند تا دست از خاموش و روشن کردن مودم‌هایشان بردارند. با این حساب با وجود قطعی آزاردهنده امروز اینترنت کشور می‌توان عذرخواهی این بار شرکت ارتباطات زیرساخت را یک دستاورد دانست و فقط این سوال را پرسید که می‌شود به ما هم بگویید که چرا اینترنت قطع شد؟